



امکان سنجی پیگیری قضایی ترور سردار سلیمانی در دیوان کیفری بین‌المللی و دیوان بین‌المللی دادگستری و حقوق داخلی

فاطمه آقامیری^۱
زهرا فهرستی^{۲*}
ابراهیم یاقوتی^۳

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۲/۰۳/۲۱ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۲/۰۹/۱۱

چکیده

اقدام نظامی ایالات متحده آمریکا در به شهادت رساندن مقامات عالی رتبه نظامی کشور ایران سردار قاسم سلیمانی در سوم ژانویه ۲۰۲۰ مسأله‌ای که میان حقوق‌دانان ایرانی و بین‌المللی از همان ابتدا مطرح شد واکنش حقوقی دولت جمهوری اسلامی ایران به این واقعه بود. اقدام نظامی آمریکا در این واقعه برخلاف آنچه خود ادعا می‌کند با عناصر پیشگیرانه و یا پیش‌دستانه و شروط دفاع مشروع منطبق نیست و یک عمل متخلفانه بین‌المللی است. امکان‌سنجی پیگیری قضایی مسئولیت کیفری و مسئولیت مدنی ناشی از این عمل متخلفانه در دیوان کیفری بین‌المللی و دیوان بین‌المللی دادگستری موضوع این نوشتار را تشکیل می‌دهد. علی‌رغم عدم عضویت ایران و آمریکا در اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی ایران می‌تواند با ترغیب دولت عراق به پذیرش صلاحیت موردی دیوان، امکان اعمال صلاحیت دیوان نسبت به این قضیه را فراهم آورد، اما حتی در این حالت نیز نمی‌توان قضیه ترور سپهبد سلیمانی را در چارچوب یکی از جرایم چهارگانه تحت صلاحیت دیوان دنبال کرد. مؤثرترین سازوکارهای حقوقی، پیگیری مسئولیت مدنی دولت آمریکا در قبال این عمل متخلفانه به موجب «کنفوانسیون راجع به پیشگیری و مجازات جرایم علیه اشخاص مورد حمایت بین‌المللی از جمله مأمورین سیاسی» (۱۹۷۳) که دولت‌های ایران و آمریکا عضو آن هستند امکان‌پذیر است. و نیز پیشگیری ایجاد یک دادگاه بین‌المللی مختلط به‌ویژه از طریق انعقاد توافق‌نامه یا مجمع عمومی سازمان ملل یا سازمان همکاری اسلامی است. این کنفوانسیون که انجام برخی جرایم از جمله قتل را در خصوص افراد مورد حمایت بین‌المللی را ممنوع می‌کند. یک سازوکار حل و فصل اختلاف را پیش‌بینی کرده که در نهایت به دیوان بین‌المللی دادگستری ختم می‌شود.

^۱ دانشجوی مقطع دکتری، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. fsaghamiri@yahoo.com

^۲ استادیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده

مسئول)، fehrest41@yahoo.com

^۳ دانشیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

Yaghouti2010@yahoo.com

واژگان کلیدی: قاسم سلیمانی، دیوان کیفری بین‌المللی، دیوان بین‌المللی دادگستری، دفاع مشروع، افراد مورد حمایت بین‌المللی.

مقدمه

ترور سردار سلیمانی، فرمانده کل سپاه قدس ایران در بامداد سوم ژانویه ۲۰۲۰ (۱۳ دی‌ماه ۱۳۹۸) در سرزمین عراق توسط پهپاد «آر کیو ۹» آمریکایی که در نزدیکی فرودگاه بغداد و با شلیک سه موشک لیزری ضد تانک (دو موشک به خودروی حامل سپهبد سلیمانی و یک موشک به خودروی دیگر) سپهبد سلیمانی و هشت نفر از همراهان او به شهادت رسیدند. در پی این ترور، وزارت دفاع آمریکا در بیانیه‌ای اعلام کرد که ارتش این کشور به دستور رئیس‌جمهور دونالد ترامپ، «با کشتن قاسم سلیمانی فرمانده نیروی قدس سپاه پاسداران ایران، اقدام دفاعی قاطعی برای حراست از پرسنل آمریکا در خارج از کشور انجام داده‌است». (The U- Statement By The Department of Defense, Jan , 2: 2020)

دونالد ترامپ رئیس‌جمهور ایالات متحده نیز با مطرح کردن ادعاها مدعی شد ژنرال قاسم سلیمانی هزاران آمریکایی را در برهه‌ای از زمان کشته یا به شدت مجروح کرده‌بود و در حال برنامه‌ریزی برای کشتن تعداد بیشتری بود و آمریکا باید مدت‌ها قبل او را از میان برمی‌داشت، بنابراین ما اقدامی برای جلوگیری از بروز جنگ انجام دادیم. (Washington Post, 2020) ترور سردار سلیمانی فرمانده کل سپاه قدس، به یکی از موضوعات حساس روز حقوق بین‌الملل بدل شده‌است و بیش از همه این سؤال را به ذهن متبادر می‌سازد که طرق پیگیری قضایی این قضیه به‌ویژه برای خانواده‌ها و بازماندگان شهدای این واقعه چیست.

در بادی امر، ذکر این نکته ضروری است که، به دلیل عدم حاکمیت شرایط جنگ مسلحانه فعال میان ایران و آمریکا، قواعد حقوق بین‌المللی بشردوستانه بر این قضیه اعمال نمی‌شود، زیرا نیروهای نظامی دولت‌ها در شرایط جنگی می‌توانند هدف حمله قرار گیرند، مگر اینکه ناتوان از شرکت در جنگ باشند (Coracini: 44). اما ایران و آمریکا در این شرایط قرار نداشتند و سردار سلیمانی در کشور عراق حضور داشت؛ به این ترتیب نمی‌توان ترور این فرماندهی عالی رتبه نظامی را طبق قواعد حقوق بشردوستانه مجاز دانست. همچنین مطابق با قواعد حقوق بین‌المللی بشر، کشتن اتباع دولت‌های دیگر بدون رعایت دادرسی عادلانه و مجازات آنها در یک محکمه‌ی قانونی نقض فاحش حق حیات است و بر مبنای اصول منشور ملل متحد، یعنی توسل به زور و احترام به

اصل حاکمیت دولت‌ها تعرض مستقیم به منافع جمهوری اسلامی ایران و تمامیت ارضی کشور عراق مصداق بارزی از عمل تجاوز می‌باشد. (وکیل: ۱۳۹۸) این درحالی است که آمریکا سعی در توجیه اقدام خود با بهره‌گیری از دکترین دفاع مشروع پیشگیرانه دارد، اما این ادعا از نظر حقوق بین‌الملل موضوع قابل پذیرش نیست، زیرا اولاً این کشور دلایل لازم برای اثبات این ادعا را ارائه نداده و ثانیاً این دکترین از مقبولیت و پذیرش حقوقی لازم برخوردار نیست و نقض نص صریح منشور ملل متحد (86: 2016, Dewees) اما آنچه که در حال حاضر اهمیت دارد آن است که در کنار اقدامات نظامی در راستای دفاع مشروع صورت گرفته با حملات موشکی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به پایگاه آمریکایی عین‌الاسد، به منظور تسلی خاطر خانواده‌های قربانیان این حادثه غم‌بار و آسودگی ملت شریف ایران، از طرق پیگیری حقوقی این قضیه در محاکم بین‌المللی و داخلی امکان‌سنجی شود. فرضیه اصلی که این پژوهش به منظور ارزیابی آن شکل گرفته آن است که امکان طرح دعوا در برخی از محاکم بین‌المللی و نیز دادگاه‌های داخلی کشورهای درگیر وجود دارد. و مناسب‌ترین روش را براساس اصول و قواعد حقوقی پیشنهاد می‌دهد: ۱- طرح دعوا در محاکم بین‌المللی، ۲- طرح دعوا در دیوان بین‌المللی کیفری، ۳- طرح دعوا در دیوان بین‌المللی دادگستری، ۴- طرح دعوا در یک دادگاه مختلط، ۵- طرح دعوا در محاکم کشور عراق، ۶- طرح دعوا در محاکم کشور ایران، ۷- طرح دعوا در محاکم کشور آمریکا، می‌باشد.

ترور سپهبد قاسم سلیمانی و ابعاد حقوقی آن

درخصوص اقدام نظامی ایالات متحده آمریکا در ترور سپهبد سلیمانی نخستین سؤالی که مطرح می‌شود این است که آیا این اقدام را می‌توان یک عمل تجاوزکارانه قلمداد نمود؟ به منظور تعیین ماهیت این اقدام باید مفاد موافقت‌نامه منعقد شده میان ایالات متحده آمریکا و عراق در سال ۲۰۰۸ که به حضور نظامی آمریکا در سرزمین عراق و شروط آن می‌پردازد، مراجعه نمود. طبق ماده (۳) این موافقت‌نامه، اجازه عملیات نظامی از سوی آمریکا در خاک عراق با رعایت قوانین، رسوم و کنوانسیون‌های دولت عراق وجود دارد و عملیات نظامی نباید مغایر با روح این موافقت‌نامه باشد. واکنش دولت عراق نسبت به ترور سپهبد قاسم سلیمانی نشان دهنده‌ی این است که حداقل در نگاه نخست، این شروط رعایت نشده‌است. (Labuda, 2020).

به هر صورت، این که نقض شروط موافقت‌نامه در انجام عملیات نظامی می‌تواند ماهیت اقدام نظامی آمریکا را یک اقدام تجاوزکارانه تغییر دهد، محل تأمل است. برای احراز یک عمل

تجاوزکارانه و مصادیق آن، قطعنامه ۳۳۱۴ مجمع عمومی ملل متحد (سال ۱۹۷۴) که امروزه خصیصه‌ی عرفی آن محل مناقشه نیست را باید مورد توجه قرار داد. ادعای اصلی آمریکا در قضیه ترور سپهبد سلیمانی که در نامه‌ی ۸ ژانویه ۲۰۲۰ این دولت به شورای امنیت ملل متحد نیز بر آن تأکید شده این است که این اقدام را در راستای دفاع مشروع انجام داده است. در این که آمریکا حتی در سرزمین عراق نیز حق دفاع مشروع از خود را داشته است، هیچ تردیدی نیست و این واقعیت حتی در موافقت‌نامه سال ۲۰۰۸ در خصوص حضور نظامی آمریکا در عراق نیز مورد تأکید قرار گرفته است. اما آمریکا نمی‌تواند اقدام نظامی خود را به لحاظ حقوقی در قالب دفاع مشروع توجیه کند. (IcJReports 1996, Para. 41)

۱- طرح دعوا در محاکم بین‌المللی

منظور از طرح دعوا در این مقاله استفاده از سازوکارهای حقوقی با اثر الزام‌آور است، مکانیزهای سیاسی موجود مثل طرح پرونده در شورای امنیت سازمان ملل یا ارائه گزارش به شورای حقوق بشر سازمان ملل، شکایت در دیوان بین‌المللی کیفری، نهادهای حقوق بشری شکایت در دیوان بین‌المللی دادگستری اگرچه اقدامی لازم است، اما به دلیل اجتناب از طولانی شدن مقاله و نیز بنابر سلطه‌ی مؤثر آمریکا در این نهادها مورد بحث قرار نمی‌گیرد.

۱-۱ طرح دعوا در دیوان بین‌المللی دادگستری

دیوان بین‌المللی دادگستری، مهم‌ترین رکن قضایی بین‌المللی در حل و فصل اختلافات بین دولت‌ها تلقی می‌شود. اما اساسنامه دیوان رسیدگی به اختلافات بین‌المللی را منوط به رضایت دولت‌ها در احاله‌ی اختلافات خود به این مرجع قضایی بین‌المللی کرده‌است به عبارت دیگر، این رضایت اصحاب دعواست که به دیوان صلاحیت رسیدگی اعطا می‌کند. (میرعباسی و سادات میدانی، ۱۳۸۷: ۴۷) هر دولت برای ابراز رضایتش به صلاحیت دیوان باید دو مرحله را بگذراند؛ ابتدا باید اساسنامه دیوان را پذیرفته باشد. اما این به تنهایی برای رسیدگی به یک اختلاف کفایت نمی‌کند و در مرحله دوم، هر دولت باید رضایت مستقل خود را برای رسیدگی به آن اختلاف ابراز نماید. (Alexandrov, 2006: 29-30)

مطابق اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری، رضایت کشورها ممکن است به چند طریق اعلام

شود:

- ۱- قرارداد خاص پس از بروز اختلاف که طرفین به آن رضایت می‌دهند که مسئله متنازع فیه را به دیوان ارائه کنند. رضایت کشورها ممکن است از طریق انعقاد قرارداد خاص پیش یا پس از بروز اختلاف باشد.
- ۲- صدور اعلامیه اختیاری پذیرش صلاحیت اجباری دیوان؛ شرط رجوع به دیوان در ذیل یک معاهده.
- ۳- درج شروط رجوع به دیوان در ضمن معاهدات چند جانبه یا دو جانبه طرفین اختلاف که از اعضای آن می‌باشند.
- ۴- طرف درخواست از سوی یکی از طرفین اختلاف و پذیرش ضمنی صلاحیت دیوان با حضور طرف دیگر در جلسات دادرسی و پاسخ و دفاع ماهوی به دعوای طرح شده اعلام شود؛
(International Court Of Justice, 1945: 39 Statute Of)

تنها معاهده‌ای که هم کشور آمریکا و هم دیوان در ضمن آن صلاحیت دیوان بین‌المللی دادگستری را پذیرفته‌اند و می‌توان موضوع به شهادت رساندن سردار سلیمانی را در ضمن آن مطرح کرد، کنوانسیون راجع به جلوگیری و مجازات جرایم علیه اشخاص مورد حمایت بین‌المللی از جمله مأمورین سیاسی مورخ ۱۹۷۳ است.

همانگونه که از عنوان این کنوانسیون برمی‌آید، هدف حمایت از اشخاص مورد حمایت بین‌المللی از جمله مأمورین سیاسی است. این موضوع علاوه بر اینکه در این سند آمده است در تاریخ روابط کشورها از یونان و روم باستان تاکنون به عنوان یک قاعده عرفی همواره رعایت می‌شده است. (Jocomy – Millette , 1975: 103)

مطابق بند ب ماده (۱) علیه نمایندگان و کارمندان با شخصیت‌های رسمی هر کشور یا هر کارمند و شخصیت رسمی یا مأمور دیگر سازمان‌های بین‌المللی و بین‌الدولی «شخص مورد حمایت بین‌المللی» تلقی شده که به هنگام وقوع جرم علیه شخص او یا اماکن رسمی و محل سکنی شخصی و یا وسایل نقلیه او، حق دارد به موجب حقوق بین‌الملل از حمایت مخصوص در مقابل ایراد لطمه به شخص یا آزادی و حیثیت و اعضای خانواده خود که با او زندگی می‌کنند برخوردار گردد. از جمله اقداماتی که در این سند مشمول مجازات‌های مقتضی از سوی دولت‌های عضو قرار خواهد گرفت، حمله خشونت آمیز به اماکن رسمی و محل سکنی و یا وسیله نقلیه متعلق به شخص مورد حمایت بین‌المللی است، به نحوی که جان یا آزادی او به مخاطره افتد.

بر این اساس، سردار سلیمانی که یک مقام رسمی کشور ایران و به عنوان فرستاده این کشور بوده و با اجازه و دعوت مقامات عراقی در سرزمین عراق حضور داشته‌اند، یک شخص مورد حمایت بین‌المللی مشمول این کنوانسیون است که بر مبنای ماده ۲ این سند، جرایم قتل و حملات خشونت‌آمیز نسبت به خودروی ایشان صورت گرفته است.

بند (۱) ماده (۱۳) این معاهده مقرر می‌دارد که اگر اختلافات اعضا در موضوع تفسیر و اجرای این معاهده، براساس مذاکره حل و فصل نگردد، حسب تقاضای یکی از آنها به داوری ارجاع می‌شود و هرگاه شش ماه پس از تاریخ تقاضای ارجاع به داوری طرف‌ها نسبت به ترتیب داوری توافق نمایند، هریک از طرف‌های مذکور می‌توانند قضیه را به دیوان بین‌المللی دادگستری ارجاع دهند. به این ترتیب، چون هر دو کشور ایران و آمریکا عضو این کنوانسیون می‌باشند، پس صلاحیت دیوان بین‌المللی دادگستری را مطابق این ماده مورد پذیرش قرار داده‌اند و در صورتی که مراحل مذکور در ماده (۱۳) موجب حل اختلاف نشود، می‌توان این موضوع را به دیوان بین‌المللی دادگستری ارجاع داد.

اگرچه ممکن است در مورد ارجاع این قضیه به دیوان بر مبنایی کنوانسیون (۱۹۷۳) ایرادات و انتقاداتی مطرح شود مبنی بر اینکه اوضاع و احوال زمان انعقاد عهدنامه مبین آن است که هدف این سند محکوم کردن اعمال گروه‌ها و افراد غیردولتی تروریستی نسبت به اشخاص مورد حمایت بین‌المللی است که به موجب آن دولت‌ها ملکف می‌باشند در قوانین داخلی خود این اقدامات تروریستی را جرم‌انگاری کرده و نسبت به مجازات مرتکبان و یا استرداد متهمین اقدام نموده یا با یکدیگر همکاری کنند. در حالی که قضیه ترور سردار سلیمانی و همراهان توسط گروه‌های غیر دولتی تروریستی انجام نشده بلکه مقامات رسمی دولتی یکی از کشورهای عضو نسبت به ارتکاب جرایم تحت شمول این کنوانسیون اقدام کرده‌اند. به واسطه‌ی آن که در هیچ کجا از متن کنوانسیون به ویژگی‌های مرتکبان یا مظنونان به ارتکاب جرم از باب دولتی یا غیردولتی بودن اشاره‌ای نشده‌است این مسئله از مواردی است که قابلیت تفسیر دارد.

۲-۱ طرح دعوا در دیوان بین‌المللی کیفری

مسئولیت اصلی دیوان بین‌المللی کیفری، به عنوان مهم‌ترین مرجع قضایی بین‌المللی، رسیدگی به جنایات مهم بین‌المللی یعنی جنایات علیه بشریت، جرایم جنگی، نسل‌کشی و تجاوز است. مقامات دولتی که به ارتکاب هر یک از این جنایات خطیر بین‌المللی اقدام کرده‌اند، از رسیدگی دیوان

بین‌المللی کیفری مصون نخواهد بود. در خصوص مصونیت مقامات دولت‌های غیر عضو دیوان نیز اکثر حقوقدانان بر این نظرند که در مواردی که شورای امنیت موضوعی را به این محکمه ارجاع می‌دهد، مقامات کشور خوانده از مصونیت برخوردار نخواهند بود (Mettraux . Etal 2018: 603) به هر روی، نکته مهم آن است که دیوان مزبور تنها توانایی رسیدگی به جرایمی را دارد که اولاً در صلاحیت موضوعی این دیوان قرار داشته و ثانیاً در سرزمین کشور عضو و یا توسط اتباع دولت‌های عضو دیوان صورت گرفته باشد. در غیر این موارد، دولتی که عضو دیوان نیست می‌تواند صلاحیت موردی دیوان را در مورد جرایم ارتكابی در سرزمینش یا صورت گرفته توسط اتباع کشورش بپذیرد و از دادستان درخواست انجام تحقیقات را نموده و یا دیوان می‌تواند از مسیر ارجاع موضوع توسط شورای امنیت سازمان ملل آغاز به رسیدگی نماید. (Icc, Nd: 17)

نکته حائز اهمیت آن است که ترور سردار سلیمانی و همراهانش در داخل هیچ یک از موضوعات تحت صلاحیت دیوان قرار نمی‌گیرد مگر اینکه این حمله را بتوان داخل در تعریف جرم تجاوز نسبت به کشور عراق دانست. مسئله‌ی مهم دیگر آن است که هیچ یک از کشورهای درگیر در این قضیه، یعنی ایران، عراق و آمریکا عضو دیوان بین‌المللی کیفری نیستند.

طریق محتمل آن است که کشور عراق به عنوان کشور سرزمین و محل وقوع جرم مطابق ماده (۱۲) اساسنامه دیوان، صلاحیت موردی این نهاد را در خصوص این قضیه بپذیرد، اما در این مسیر نیز موانعی وجود دارد.

موانع نخست: آن است که برای ورود دیوان در رسیدگی به جرم تجاوز به دلیل حساسیت دولت‌ها لازم است هم کشور سرزمینی و هم کشوری که اتباعش مرتکب این جرم شده‌اند، صلاحیت دیوان را بپذیرند. یعنی هم کشور عراق و هم کشور آمریکا نسبت به طرح مسئله در دیوان رضایت داشته باشند. (ذاکر حسین، ۱۳۹۸) که در این مورد کسب رضایت کشور آمریکا امری محال است.

مانع دوم: ناظر بر میزان میل و اراده سیاسی دولت عراق نسبت به پذیرش صلاحیت موردی دیوان بین‌المللی کیفری است که تجربه موضوع داعش نشان داده که حتی در آن مورد نیز عراق حاضر به پذیرش صلاحیت موردی دیوان نشد.

مانع سوم: جنایت علیه بشریت جرایمی است که علیه منافع کل جامعه‌ی بین‌المللی صورت پذیرد. به دلیل محدود بودن تعداد شهدای حادثه‌ی ترور سردار سلیمانی، نمی‌توان این اقدام را جنایت علیه بشریت دانست. وصف اصلی جرم نسل‌کشی نیز قصد خاص نابودی یک گروه ملی،

قومی، نژادی یا مذهبی است و اقدام به نابودی باید شامل تعداد زیادی از افراد باشد (عبدی، ۱۳۹۶، ۱۹۴) به همین دلیل نمی‌توان اقدام آمریکا در موضوع ترور را نسل‌کشی نامید. در نتیجه، امکان پیگیری حقوقی این امر در دیوان بین‌المللی کیفری اساساً امکان‌پذیر نیست.

۳-۱ طرح دعوا در دادگاه‌های بین‌المللی کیفری اختصاصی (موردی)

تا قبل از تشکیل دیوان بین‌المللی کیفری، تأسیس دادگاه‌های کیفری اختصاصی در سطح بین‌المللی مانع از بی‌کیفرمانی جنایتکاران بین‌المللی می‌شد. نسل اول این نوع محاکمه دیوان‌های نورنبرگ و توکیو بودند که توسط فاتحان جنگ جهانی دوم شدند و نسل دوم این دادگاه‌ها، با صدور قطعنامه‌ای از سوی شورای امنیت تشکیل می‌شدند. دیوان‌های بین‌المللی یوگسلاوی سابق و رواندا از آن دست دیوان‌هایی هستند که اساس برپایی آنها تصمیم شورای امنیت است درموضع به شهادت رساندن سردار سلیمانی و همراهانش نیز شورای امنیت می‌تواند با صدور قطعنامه‌ای اقدام به تأسیس یک دادگاه بین‌المللی کیفری اختصاصی کند، اما آنچه مانع محسوب می‌شود آن است که تصمیم‌گیری در شورای امنیت در این رابطه زمانی صورت می‌گیرد که ۹ عضو از ۱۵ عضو که شامل تمامی اعضای دائم شورای امنیت باشند و با تشکیل این دادگاه موافق باشند. مسلماً کشور آمریکا که مقامات آن مرتکب این جنایت شده‌اند و خود از اعضای دائم شورای امنیت است با تشکیل چنین دادگاهی موافقت نخواهد کرد. بر این مبنای تشکیل دادگاه بین‌المللی کیفری اختصاصی برای رسیدگی به جنایت آمریکا در ترور سردار سلیمانی، به دلیل عدم اراده‌ی سیاسی، امکان‌پذیر نخواهد بود.

۴-۱ طرح دعوا در یک دادگاه مختلط (هایبرید)

دادگاه‌های بین‌المللی شده، مختلط یا هایبرید دادگاه‌هایی هستند که ویژگی بارز آنها ترکیب عناصر ملی و بین‌المللی است (Nouwen, 2006: 190)؛ به این معنا که با مشارکت دولت‌های درگیر و طی انعقاد یک توافق‌نامه با سازمان ملل متحد یا یک سازمان بین‌المللی یا منطقه‌ای و با ترکیبی از قضات داخلی و بین‌المللی تشکیل شده و به یک موضوع مهم کیفری رسیدگی می‌کنند. این‌گونه دادگاه‌ها زمانی ایجاد می‌شوند که به دلیل وجود برخی موانع و مشکلات، از جمله ناتوانی نظام حقوقی داخلی یا مصونیت سران کشورها، امکان تعقیب و محاکمه‌ی جنایتکاران بین‌المللی در محاکم قضایی داخلی دولت‌ها وجود ندارد و هم‌چنین امکان قرار گرفتن جرم ارتکاب یافته یا تعقیب

متهمان در دیوان بین‌المللی کیفری فراهم نبوده و اراده‌ی سیاسی لازم برای تشکیل یک دادگاه اختصاصی از شورای امنیت نیز احراز نشده‌است. در چنین حالتی، دادگاه‌های مختلط یا بین‌المللی شده با مداخله‌ی نهادهای بین‌المللی و در رأس آنها سازمان ملل متحد تشکیل می‌شود (میرمحمد صادقی و رحمتی، ۱۳۹۷: ۳۱۸-۳۰۲) برپایی این محاکم در مورد دادگاه‌های لبنان، کامبوج، سیرالئون و سنگال مسبوق به سابقه است. به‌نظر می‌رسد بهترین روش رسیدگی به موضوع ترور سردار شهید سلیمانی و همراهان ایشان به دلیل عدم عضویت عراق و آمریکا در دیوان بین‌المللی کیفری و فقدان عزم شورای امنیت به ارجاع این اختلاف به دیوان مذکور و هم‌چنین وجود مانع مصونیت قضایی مقامات آمریکایی در محاکم داخلی کشور عراق، تشکیل یک دادگاه بین‌المللی مختلط است. ولی آن چیزی که در برپایی این دادگاه چالشی بزرگ قلمداد می‌شود عدم اراده اعضای دائم شورای امنیت در صدور مجوز انعقاد تفاهم‌نامه همکاری با دولت عراق برای تشکیل این دادگاه است. برای مرتفع ساختن این مانع، نکته شایان توجه آن است که در برخی موارد دادگاه‌های مختلط در اثر انعقاد توافق‌نامه میان کشور محل ارتکاب جرم و سایر نهادهای بین‌المللی یا منطقه‌ای، غیر از سازمان ملل متحد تأسیس شده‌اند. (میرمحمد صادقی و رحمتی، ۱۳۹۴: ۳۱۷) برآورد حاصل از ارزیابی شرایط تشکیل برخی از دادگاه‌های بین‌المللی مختلط مانند دادگاه‌های کامبوج، سیرالئون و لبنان نیز آن است که این دادگاه‌ها لزوماً مبتنی بر انعقاد معاهده دولت سرزمین محل وقوع جرم یا شورای امنیت سازمان ملل متحد نیستند، بلکه با مساعدت و تمهیدات مجمع عمومی سازمان ملل متحد ایجاد شده‌اند. (رحمتی و میرمحمد صادقی، ۱۳۹۸: ۱۱۲) بنابراین طریق مناسب برپایی یک دادگاه مختلط در این قضیه آن است که از طریق دیپلماسی مؤثر با دولت عراق و درخواست این کشور از مجمع عمومی سازمان ملل متحد یا از طریق انعقاد تفاهم‌نامه‌ای با سازمان همکاری اسلامی به تشکیل یک دادگاه بین‌المللی مختلط در سرزمین عراق اقدام شود و عاملان این جنایت به پای میز عدالت آورده شوند.

۲- طرح دعوا در محاکم داخلی کشورها

صلاحیت قضایی کشورها وجهه‌ای از حاکمیت آنها پنداشته می‌شود قضیه ترور سردار سلیمانی به سه کشور عراق، ایران و آمریکا مرتبط است. محاکم هریک از این کشورها مطابق با انواع میانی اعمال صلاحیت شناخته شده در حقوق بین‌الملل، یعنی اصول صلاحیت سرزمینی، شخصی، می‌توانند این قضیه را مورد تعقیب و دادرسی قرار دهند. در این بخش به امکان‌سنجی طرح دعوا در محاکم هریک از این کشورها پرداخته می‌شود.

۱-۲ طرح دعوا در محاکم کشور عراق

تعقیب و محاکمه عاملان در دادگاه‌های داخلی هریک از محاکم دادگاه‌های کشورهای مرتبط با قضیه شهادت سردار سلیمانی با توجه به قوانین داخلی و صلاحیت‌های شناخته شده خود، امکان تعقیب و محاکمه عاملان جرایم ارتکاب یافته در ضمن این حادثه تروریستی را دارند که در ذیل به بررسی قوانین داخلی این کشورها پرداخته می‌شود. کشور عراق در سال ۲۰۰۵ قانونی تحت عنوان «قانون ضد تروریسم شماره ۱۳» را به تصویب رساند که امکان‌سنجی استفاده از ظرفیت‌های این قانون برای طرح دعوی خانواده‌های قربانیان این حادثه در دادگاه‌های کشور عراق محل تأمل است. ماده (۱) این قانون در تعریفی موسع از تروریسم، آن را «هر اقدام جنایی ارتکاب یافته توسط هر فرد یا گروه سازمان یافته که فرد یا گروهی از افراد یا گروه‌ها یا نهادهای رسمی و غیر رسمی را هدف قرار دهد و منجر به خسارت به اموال عمومی یا خصوصی شده، با هدف برهم زدن صلح، ثبات و وحدت ملی، ایجاد وحشت و ترس بین مردم و ایجاد آشوب برای دستیابی به اهداف تروریستی» تعریف کرده است. (Anti-Terrorism, Law. 2005: Art.L)

این قانون در ماده ۲ فهرستی از اقدامات تروریستی را برشمرده است و در ماده‌ی ۳ به بیان اقداماتی می‌پردازد که از میان اقدامات تروریستی به عنوان جرایم علیه امنیت دولت نیز تلقی می‌شوند. براساس بند (۵) ماده ۲، «حمله به ارتش و ادارات پلیس، مراکز داوطلبانه، ادارات امنیتی و حمله به سربازان نظامی یا پشتیبانی آنها، خطوط ارتباطی یا اردوگاه‌ها و پایگاه‌های آنها با یک انگیزه تروریستی» اقدام تروریستی محسوب می‌شود و بنابر بند (۱) همین ماده «هر عمل با انگیزه‌های تروریستی که وحدت ملی و ثبات جامعه را تهدید می‌کند و بر امنیت دولت و ثبات آن اثر می‌گذارد و یا توانایی خدمات امنیتی را در دفاع و حمایت از شهروندان، اموال آنها، مرزهای دولتی و نهادهای آنها را خواه از طریق تقابل نظامی با نیروهای دولتی یا هر عمل دیگری که انحراف از آزادی بیان تضمین شده در قانون است، تضعیف می‌کند» عمل تروریستی است که امنیت دولت را خدشه‌دار می‌نماید، (Anti-Terrorism Law – 2005: Art. 2(1) 2 (5)) با توجه به اینکه بخشی از قربانیان این واقعه نیروهای نظامی و رسمی دولت عراق بوده‌اند و یا نیروهای رسمی ایرانی نیز به دعوت دولت قانونی عراق در این کشور حضور داشته‌اند، می‌توان این اقدام را تحت ماده (۱) هدف قرار دادن افراد و گروه‌های رسمی و بنابر بندهای مذکور در مواد (۲) و (۳)، اقدامی دانست که امنیت و ثبات عراق را تهدید کرده و به نوعی حمله به نیروهای نظامی دولت

عراق نیز محسوب می‌شود. و اما آنچه که در این دو بند از اهمیت برخوردار است انگیزه تروریستی است که در هیچ کجای این قانون تعریف نشده است. اما می‌توان بر مبنای ماده (۱) این قانون، هدف برهم زدن صلح، ثبات و وحدت ملی و ایجاد وحشت و ترس بین مردم را به عنوان قدر متیقن این انگیزه ذکر کرد.

با نظر به این امر که ادعای کشور آمریکا در استناد به دفاع مشروع برای هدف حمله قرار دادن سردار سلیمانی ادعایی بی‌اساس و فاقد توجیه قانونی است می‌توان قصد و انگیزه تروریستی این عمل را به اثبات رساند.

به نظر می‌رسد اعمال نیروهای آمریکایی در ترور سردار شهید سلیمانی و همراهانش نمونه بارزی از شبه جرم است که با فرمان عالی‌ترین مقام حاکمیتی آمریکا تحقق یافته است. اما نکته مهم آن است که نیروهای نظامی و مقامات آمریکایی در عراق به موجب ماده (۱۲) موافقت‌نامه امنیتی بین آمریکا و عراق مورخ سال ۲۰۰۸ اصطلاحاً موافقت‌نامه سופا دارای مصونیت قضایی هستند. (SOFA Agreement Between The United. States Of America And The Republic Of Iraq, 2008: Art. 12) هرچند اقدام آمریکا در موضوع حمله به فرماندهان ایرانی و عراقی در خاک عراق، نوعی تجاوز به سرزمین این کشور و اقدامی غیر قانونی تلقی می‌شود که نقض ماده (۳) موافقت‌نامه امنیتی مزبور است.

۲-۲ طرح دعوا در محاکم کشور ایران

یکی از دسترس‌ترین روش‌های پیگیری حقوقی موضوع ترور سردار سلیمانی و همراهان ایشان، طرح دعوی خانواده‌های قربانیان این حادثه در محاکم داخلی کشور ایران است. به همین منظور لازم است امکان این امر هم از جنبه حقوقی و هم از جنبه کیفری مورد ارزیابی قرار گیرد. در بعد حقوقی، پس از اقدام خصمانه کشور آمریکا در تصویب «اصلاحیه قانون مصونیت‌های دولت‌های خارجی در سال ۱۹۹۶» که به عنوان مبنایی برای نقض مصونیت اموال نهادهای دولتی ایران در محاکم این کشور قرار گرفت، جمهوری اسلامی ایران در پاسخ و به عنوان یک اقدام متقابل، در سال ۱۳۷۸ «قانون صلاحیت دادگستری جمهوری اسلامی ایران برای رسیدگی به دعاوی مدنی علیه دولت‌های خارجی» را تصویب نمود که اصلاحیه اخیر آن در اردیبهشت ۱۳۹۱ مشتمل بر ۱۱ ماده به تصویب رسید و همچنان معتبر است. به موجب ماده (۱) این قانون برای مقابله و جلوگیری از نقض قوانین و مقررات حقوق بین‌الملل، اشخاص حقیقی و حقوقی می‌توانند از اقدامات دولت‌های خارجی که مصونیت قضایی دولت جمهوری اسلامی ایران و یا مقامات رسمی آن را نقض نمایند،

در دادگستری تهران اقامه دعوا کنند. در این صورت، دادگاه مرجوع الیه مکلف است به عنوان عمل متقابل به دعوی مذکور رسیدگی و طبق قانون حکمی مقتضی را صادر نماید.

اقدام دولت آمریکا در قضیه ترور سردار سلیمانی، مطابق بند الف ماده (۱)، از جمله موضوعات مشمول این قانون است. چنان‌که بند الف مقرر داشته است: «خسارات ناشی از هرگونه اقدام و فعالیت دولت‌های خارجی در داخل یا خارج ایران که مغایر با حقوق بین‌الملل است و منجر به فوت یا صدمات بدنی یا روانی یا ضرر و زیان مالی اشخاص می‌گردد» (قانون صلاحیت دادگستری جمهوری اسلامی ایران برای رسیدگی به دعاوی مدنی علیه دولت‌های خارجی، ۱۳۹۱: ماده (۱) الف). همچنین به موجب ماده (۷) این قانون، «دعای علیه نمایندگان با مقامات یا نهادهای وابسته یا تحت کنترل دولت خارجی با رعایت اصل عمل متقابل، در صورتی قابل رسیدگی است که خسارات ناشی از اقدامات موضوع این قانون باشد». (قانون صلاحیت دادگستری جمهوری اسلامی ایران برای رسیدگی به دعاوی مدنی علیه دولت‌های خارجی، ۱۳۹۱: ماده ۷).

به همین روی، علاوه بر آنکه امکان طرح دعوا بر مبنای این قانون علیه دولت آمریکا وجود دارد، علیه شخص ترامپ به عنوان یک مقام آمریکایی هم می‌توان طرح دعوی حقوقی نمود. هرچند توسل به این قانون، محاکمه عاملان این حادثه را از بعد حقوقی تسهیل نموده است اما مهم‌ترین ایراد عملی وارده آن است که دولت آمریکا و یا شخص ترامپ در کشور ایران دارای اموال مشخص و چشم‌گیری نمی‌باشند که بتوان با توقیف آن‌ها رأی صادره را اجرا نمود به منظور رفع این مشکل مجلس شورای اسلامی در ماده (۳) «قانون الزام دولت به پیگیری جبران خسارات ناشی از اقدامات و جنایات آمریکا علیه ایران و اتباع ایرانی» مصوب سال ۱۳۹۵ «دولت را مکلف به تعقیب اجرای تصمیمات مراجع صالح به نفع جمهوری اسلامی ایران در کشورهای ثالثی که اموالی از ایالات متحده در آنها وجود دارد نمود... (قانون الزام دولت به پیگیری جبران خسارت ناشی از اقدامات و جنایات آمریکا علیه ایران و اتباع ایرانی، ۱۳۹۵: ماده (۳) به این ترتیب می‌توان با کمک کشورهای خارجی که در ضمن معاهداتی با کشور ایران متعهد به شناسایی و اجرای احکام صادره از محاکم ایران هستند، اموال دولت آمریکا یا مقامات آمریکایی را توقیف نمود. هرچند اجرای عملی این مقرر از سوی دولت‌های خارجی نیز نیازمند دیپلماسی فعال جمهوری اسلامی ایران و اراده سیاسی دولت‌های خارجی است. در بعد کیفری رسیدگی به این حادثه نیز، اعمال صلاحیت قضایی محاکم ایران را می‌توان براساس اصل صلاحیت شخصی احراز کرد. اصل

صلاحیت شخصی، مبین صلاحیت محاکم یک کشور نسبت به اقدامات ارتكابی در خارج از قلمروی سرزمینی آن کشور، توسط اتباع یا علیه اتباع می‌باشد. (اسماعیلی، ۱۳۹۵: ۵۸-۵۶)

باتوجه به اینکه جرایم تروریستی در کلیه مناطق جهان جرم شناخته می‌شود و قطعنامه ۱۳۷۳ شورای امنیت همه دولت‌ها را ملزم به جرم‌انگاری تروریسم کرده‌است (Council, 2001: 1 Security) شرط مجرمیت متقابل در زمینه اقدامات تروریستی که بدون تردید ترور سردار سلیمانی و همراهانش نمونه بارز آن است، تحقق یافته است. به این ترتیب، در صورتی که کشور محل وقوع جرم یعنی عراق اقدامی در راستای پیگیری و محاکمه عاملان این جرم انجام ندهد، محاکم کشور ایران صلاحیت رسیدگی به این قضیه را براساس قوانین کیفری ایران خواهند داشت. اگرچه در حقوق کیفری ایران، عنوان مجرمانه مستقلاً برای تروریسم پیش‌بینی نشده است اما می‌توان این اقدام آمریکا را ذیل عناوین مجرمانه دیگر مثل قتل عمد، بغی و افساد فی‌الارض مجازات نمود. (حیب‌زاده و حکیمی‌ها ۱۳۸۶: ۴۷-۷۱)

۳-۲ طرح دعوا در محاکم کشور آمریکا

نظام قضایی ایالات متحده آمریکا متشکل از دو نوع دادگاه است: دادگاه‌های ایالتی و دادگاه‌های فدرال، بخش عمده‌ای از دعاوی نزد دادگاه‌های ایالتی مطرح می‌شوند و این دادگاه‌ها در بیش از ۹۰ درصد رسیدگی‌های کیفری مداخله می‌کنند (اسچب و اسپچب دوم، ۱۳۸۳: ۶۷). هر ایالت با ساختار و اساسنامه خاص خود شکل گرفته و به دلیل عدم اتحاد بین قوانین ایالات مختلف ارائه جزئیات یکسان از این دادگاه‌ها غیرممکن است (Fransworth, 2010: 44). هر ایالت یک دادگاه تالی و یک دادگاه تجدیدنظر دارد. هم‌چنین اغلب آنها دارای محاکمی با صلاحیت عام و برخی محاکم با صلاحیت محدود در موضوعات خاص می‌باشند. (اسچب و اسپچب دوم ۱۳۸۳: ۶۷)

مطابق بند (۱) اصل سوم قانون اساسی آمریکا اختیار تشکیل دادگاه‌های فدرال برعهده کنگره قرار دارد. دادگاه‌های فدرال از سه سطح تشکیل شده که شامل دادگاه‌های ناحیه‌ای دادگاه‌های تجدیدنظر و دیوان عالی می‌باشد. (Fransworth, 2010: 45) دادگاه‌های فدرال در سیستم ایالات متحده آمریکا، دادگاه‌های با صلاحیت محدود نامیده می‌شوند زیرا تنها قابلیت رسیدگی به دعاوی خاص و محدودی را دارند. (Crowell Moring 2008: 11)

براساس بند (۲) اصل (۳)، صلاحیت‌های دادگاه فدرال عبارت است از: دعاوی مربوط به: ۱- قانون اساسی، قوانین فدرال و عهدنامه، ۲- سفراء، وزرای مختار و کنسول‌ها، ۳- موضوعات دریایی، ۴- ایالات متحده به عنوان یک طرف دعوا ۵- اختلافات فی‌مابین ایالات - یک ایالات و تبعه

ایالت دیگر - شهروندان ایالات مختلف ۶- اختلافات مابین یک ایالات و یا شهروندان ایالت یا کشورهای خارجی و یا اتباع و شهروندان آنها. دعاوی مربوط به مورد پنجم یعنی زمانی که دولت طرف دعوا باشد، نه فقط اقدامات کیفری بلکه همه دعاوی مطروحه له و علیه آمریکا را دربرمی‌گیرد. (Fransworth, 2010: 47)

براساس قواعد شکلی و آیین دادرسی، صلاحیت بررسی دعاوی بین کشور آمریکا و اتباع غیر آمریکایی در اختیار این دادگاه‌ها نهاده شده است. (Crowell Moring, 2008: 11)

صلاحیت کیفری دادگاه‌های فدرال ناحیه‌ای شامل همه جرایم علیه قوانین فدرال است که شامل جرایمی است که از نظر فدرالی مخالف حقوق بین‌الملل و حقوق ملی است. (Fransworth, 2010: 47)

طبق نظر برخی از حقوقدانان آمریکایی، ترور سردار سلیمانی، «قانون اختیارات جنگی» ایالات متحده را نقض کرده است. زیرا مطابق این قانون به رئیس جمهور آمریکا تنها پس از اعلام جنگ توسط کنگره یا در وضعیت اضطراری ملی ایجاد شده به موجب حمله به ایالات متحده، قلمرو و یا اموال آن، یا نیروهای مسلح ایالات متحده یا هنگام صدور مجوز قانونی خاص مانند مجوز داده شده که نیروی نظامی این کشور را وارد درگیری‌های مسلحانه یا جنگ قریب‌الوقوع کند (See: The U.S War Powers Resolution, 1973: 1541) در حالی که هیچ‌یک از این وضعیت‌ها در مورد ترور سردار سلیمانی تحقق نیافته بود. هم‌چنین به دلیل عدم ارتباط سردار سلیمانی با حوادث ۱۱ سپتامبر، امکان توجیه این عمل براساس «مجوز استفاده از قوای نظامی» مصوب سال ۲۰۰۱ که به رئیس جمهور اجازه می‌داد که علیه کسانی که در برنامه‌ریزی و اجرای عملیات این حادثه نقش داشته‌اند، به قوه قهریه متوسل شود، وجود ندارد (کوهن، ۱۳۹۸) (See: Avthorization (For The Use Of Military Force, 2001: Sec.2).

ماحصل بحث آنکه امکان طرح دعوا از سوی خانواده‌های قربانیان این حادثه یا دولت ایران علیه دولت آمریکا و نیز مقامات و فرماندهان آمریکایی مشارکت کننده در این حمله به جرم قتل و نقض حق حیات وجود دارد. هرچند باید پیش از هرگونه اقدام، با بررسی رویه‌ی قضایی این کشور احتمال موفقیت در این دعوا را مورد ارزیابی قرار داد.

۴-۲ دفاع مشروع و اقدام تلافی‌جویانه

دفاع مشروع به عنوان کاربرد قانونی زور از سوی یک کشور در مقابل حمله مسلحانه‌ای که آن کشور را هدف قرار گرفته است تعریف می‌شود. آنچه مسلم است دفاع مشروع پیش از تکوین

منشور ملل متحد نیز حقی پذیرفته شده برای حاکمیت‌ها محسوب می‌شد و ماده (۵۱) منشور که امروزه بیانگر قاعده دفاع مشروع است خالق این قاعده نیست. (Voir. Sierpinski, 2006: 79) در واقع، منشور ملل متحد تنها اقدام به تدوین قاعده عرفی دفاع مشروع در ماده (۵۱) خود نموده است، که از قبل وجود داشته است. (Green Wood, 2011) با این حال منشور سازمان ملل شر «حمله مسلحانه» و «اطلاع به شورای امنیت و اقدام این نهاد به عنوان نقطه پایان دفاع مشروع» را به شرایط افزوده است.

به دلیل استثنایی بودن وضعیت دفاع مشروع، حقوق بین‌الملل شرایطی را برای قانونی بودن آن مطرح نموده است. از جمله این شرایط عبارتند از احراز حمله مسلحانه و رعایت شروط فوریت، تناسب و ضرورت.

در حقوق توسل به زور، مفهومی تحت عنوان اقدام تلافی‌جویانه نیز مطرح می‌شود. اقدامی تلافی‌جویانه، عملی است که در اساس غیرقانونی بوده و در تلافی و پاسخ به عمل غیرقانونی قبلی ارتكابی توسط دولتی دیگر صورت می‌گیرد (Shaw, 2008: 1129) قطعنامه ۲۶۲۵ مجمع عمومی سازمان ملل، توسل به زور نظامی را در اقدام تلافی‌جویانه ممنوع کرده است (Ungeneral - 1970:1 Assembly). بنابراین اقدام تلافی‌جویانه غیرمسلحانه که امروزه اقدام متقابل نامیده می‌شود در حقوق بین‌الملل موجه بوده اما اقدام تلافی‌جویانه دربردارنده‌ی زور نظامی تنها در جایی قانونی محسوب می‌شود که در پاسخ به حمله‌ی مسلحانه قبلی صورت گیرد و شرایط ضرورت، تناسب و فوریت در آن رعایت شود.

در نتیجه، در موضوع ترور سردار سلیمانی و همراهان آنچه از اهمیت اساسی برخوردار است اینکه آیا می‌توان اقدام آمریکا در موضوع ترور سردار سلیمانی را به عنوان نوعی حمله مسلحانه در نظر گرفت که بتوان در برابر آن به دفاع مشروع و یا اقدام تلافی‌جویانه مسلحانه استناد نمود؟ به همین روی، آنچه در احراز حمله مسلحانه اهمیت دارد، شدت حمله و قصد خاص آن نسبت به هدفی معین است که می‌توان هر دو وصف را در موضوع ترور سردار سلیمانی و همراهان شاهد بود، چراکه ویژگی شدت، صرفاً ناظر بر تعداد بالای تلفات به‌وجود آمده نیست؛ بلکه اساسی بودن فرد یا مکان مورد حمله برای حاکمیت ملاک است. همچنین قصد کشور آمریکا صدمه زدن به هدفی خاص، یعنی فرمانده کل سپاه قدس ایران بوده است. به همین دلیل به نظر می‌رسد می‌توان حمله به خودروی سردار سلیمانی را نوعی حمله مسلحانه دانست که اقدام تلافی‌جویانه مشروع و یا دفاع مشروع در برابر آن جایز است. باتوجه به آن که هدف جمهوری اسلامی ایران از حمله به پایگاه عین‌الاسد، صرفاً تنبیهی نبوده و به نوعی می‌توان آن را اقدامی تدافعی هم در نظر گرفت.

این عمل را می‌توان نوعی اقدام تلافی‌جویانه مسلحانه مشروع و حتی دفاع مشروع دانست. پس از اثبات وقوع حمله مسلحانه، ویژگی دیگر لازم برای موجه بودن اقدام تلافی‌جویانه مشروع و نیز دفاع مشروع، فوریت این اقدام است به این معنا که نباید میان حمله مسلحانه قبلی و پاسخ به آن، مدت زمان بسیار طولانی و نامعقولی فاصله بیفتد (Dinstein, 2011: 233) این شرط در موضوع حمله موشکی به پایگاه عین‌الاسد تحقق یافت؛ زیرا حمله صرفاً به فاصله چند روز پس از ترور صورت گرفت. و ویژگی‌های اساسی دیگر تناسب و ضرورت است. که در حمله موشکی سپاه پاسداران فقط پایگاه هوایی آمریکا که یک مقر نظامی بود تحت حمله واقع شد که به نظر می‌رسد با این اقدام سعی شده به شرط تناسب عمل شود و عامل ضرورت به جهت آنکه این اقدام در عقب نشینی آمریکا از اقدامات بی‌ثبات کننده خود لازم بود و اوضاع و احوال به گونه‌ای بود که وجود خطر واقعاً احساس می‌شد، مورد رعایت قرار گرفت.

۵-۲ اقدام متقابل

اقدام متقابل به عنوان یکی از علل رافع وصف متخلفانه بودن فعل شناخته می‌شود و به معنی اقدام یک جانبه کشور آسیب دیده در پاسخ به نقض حقوقش در اثر عمل متخلفانه دولتی دیگر است و با هدف وادار کردن دولت متخلف به توقف یا جبران خسارت در برابر دولت آسیب دیده به کار گرفته می‌شود. اقدام متقابل تنها در برابر یک اقدام متخلفانه امکان‌پذیر است (Paddeu, 2018:71) و با توجه به آنکه اقدام آمریکا در به شهادت رساندن سردار سلیمانی و همراهانش به صراحت نقض تعهدات بین‌المللی این کشور در برابر کشورهای ایران و عراق بوده است، این دو دولت می‌توانند به اقدام متقابل توسل جویند. مطابق ماده (۵۰) بند (۱) (الف) پیش‌نویس مواد کمیسیون حقوق بین‌الملل در مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها، اقدام متقابل نمی‌تواند ناقض قاعده آمره منع توسل به زور باشد. بدین معنی که دولت‌ها نباید و نمی‌توانند به هنگام اقدام متقابل از زور نظامی استفاده کنند. هم‌چنین اقدام متقابل باید با شدت اقدام متخلفانه پیشین تناسب داشته و برای وا داشتن دولت متخلف به انجام تعهدات بین‌المللی خود و توقف نقض آنها ضرورت داشته باشد. به نظر می‌رسد می‌توان اقدام مجلس عراق در تصویب مقررہ خروج نظامیان آمریکا از عراق را نوعی اقدام متقابل در برابر عمل متخلفانه این دولت که به جهت ترور غیر قانونی صورت گرفته، به‌شمار آورد.

باتوجه به اینکه اقدام آمریکا در به شهادت رساندن چندتن از فرماندهان و نیروهای نظامی رسمی کشور ایران و عراق من جمله فرمانده کل سپاه قدس ایران، سردار شهید قاسم سلیمانی، نقض فاحش قواعد پایه‌ای حقوق بین‌الملل و مصداق بارز تروریسم دولتی بوده. نظام حقوق بین‌الملل و نیز نظام‌های حقوقی داخلی کشورها بستر لازم برای طرح مسئولیت دولت آمریکا و نیز مقامات دولتی و فرماندهان این کشور که در این واقعه مشارکت داشته‌اند را فراهم نموده‌است. از جمله این راهکارها در عرصه‌ی بین‌المللی توسل به دفاع مشروع و نیز اقدام متقابل است. کشورهای ایران و عراق به خوبی از این دو ظرفیت استفاده کرده‌اند. چنان‌که اقدام مقتدرانه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در حمله موشکی به پایگاه عین‌الاسد در قالب دفاع مشروع قرار گرفته و اقدام مجلس عراق در تصویب خروج نظامیان آمریکایی از عراق، نوعی اقدام متقابل در برابر اقدامات جنایتکارانه آمریکا محسوب می‌شود. هم‌چنین امکان طرح دعوا در دیوان بین‌المللی دادگستری به استناد کنوانسیون راجع به جلوگیری و مجازات جرایم علیه اشخاص مورد حمایت بین‌المللی من جمله مأموران سیاسی مورخ ۱۹۷۳ که دولت‌های ایران و آمریکا به آن متعهد شده‌اند، برای کشور ایران فراهم است. به علاوه می‌توان از ظرفیت نهادهای حقوق بشری سازمان ملل متحد از جمله شورای حقوق بشر و صلاحیت شکایت بین‌الدولی کمیته حقوق بشر به عنوان نهاد معاهده‌ای ناظر بر میثاق حقوق مدنی و سیاسی در این راستا بهره گرفت. در سطح نظام‌های حقوقی داخلی کشورها استماع دعوا در این موضوع در محاکم کشور عراق به دلیل توافق نامه امنیتی این کشور با آمریکا در سال ۲۰۰۸ و شناسایی مصونیت نظامیان و مقامات آمریکایی در عراق، امری بعید به نظر می‌رسد. اما امکان طرح دعوا بر مبنای قوانین داخلی حقوقی و کیفری در محاکم کشور آمریکا و به ویژه ایران فراهم است. خانواده‌های بزرگوار شهدا و هم‌چنین دادستان به عنوان مدعی‌العموم می‌توانند در محاکم داخلی ایران به استناد قوانین کافی موجود طرح دعوا نمایند اما به دلیل اینکه کشور آمریکا و مقامات آمریکایی اموال زیادی در خارج از آمریکا یا در کشورهای منطقه ندارند، اجرای این آراء ممکن است با مشکلاتی روبرو شود، به همین دلیل به نظر می‌رسد در شرایط فعلی، بهترین راه‌حل ممکن طرح دعوا در دیوان بین‌المللی دادگستری است. و از آنجایی که دولت‌های ایران و عراق و آمریکا طرف اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی نیستند، امکان ارجاع موضوع ترور سپهبد سلیمانی بوسیله آن‌ها به دیوان با شروع بررسی مقدماتی از سوی دادستان دیوان امکان‌پذیر نیست. اقدام شورای امنیت نیز قطعاً با وتوی آمریکا مواجه خواهد شد. بنابراین، تنها فرض ایجاد صلاحیت برای دیوان درخصوص رسیدگی به این موضوع، پذیرش صلاحیت موردی دیوان بوسیله دولت عراق است.

در نتیجه با توجه به رویه‌ی قضایی دیوان بین‌المللی دادگستری به نظر نمی‌رسد که توجیهات و استدلال‌های آمریکا که در خصوص ترور سپهبد سلیمانی ابراز شده است، مورد پذیرش قرار بگیرد. آمریکا بیان می‌کند که این اقدام را در راستای دفاع مشروع انجام داده است. این در حالی است که دیوان همواره بر این مهم تأکید داشته است که دفاع مشروع صرفاً در مقابل حمله مسلحانه‌ای که انجام شده است، امکان‌پذیر است و دفاع مشروع که صرفاً نسبت به هدف نظامی مشروع انجام می‌شود همواره باید با حمله‌ی اولیه متناسب و برای پاسخ به آن ضروری باشد.

منابع

- ۱) ذاکر حسین، محمدهادی، ۱۳۹۸ ش، نشست بررسی ابعاد حقوقی و بین‌المللی ترور سپهبد حاج قاسم سلیمانی، تهران پژوهشکده قوه قضائیه
- ۲) میر محمد صادقی، حسین و رحمتی، علی، ۱۳۹۷ ش، فصلنامه پژوهش حقوق کیفری پیاپی ۲۵ ص ۲۹۹-۳۲۹
- ۳) نژندی منش، هیبت‌الله، بذار، وحید ۱۳۹۶ ش، تکمیلی بودن صلاحیت دیوان بین‌المللی کیفری و جنایت تجاوز، مجله آموزه‌های حقوق کیفری، ش ۱۴.
- ۴) عبدی، حسین، ۱۳۹۶، بررسی تطبیقی نظارت قضایی در مرحله تحقیقات مقدماتی در دادرسی کیفری ایران و دادرسی کیفری بین‌المللی، نشریه علمی وزارت علوم.
- ۵) میرعباسی، سیدباقر و سادات میدانی، سیدحسین، ۱۳۸۷ ش، دادرسی‌های بین‌المللی، دیوان بین‌المللی دادگستری، تهران، جنگل جاودانه.
- ۶) اسماعیلی، مهدی، ۱۳۹۵ ش، صلاحیت رسیدگی به جرایم تروریستی در قوانین ایران، مجله حقوقی دادگستری، دوره ۸۰، شماره ۹۴.
- ۷) حبیب‌زاده، محمدجعفر و حکیمی‌ها سعید، ۱۳۸۶ ش، ضرورت جرم‌انگاری تروریسم در حقوق کیفری ایران، فصلنامه مدرس علوم انسانی، دوره ۱۱ ش ۲.
- ۸) کوهن، توماس، ۱۹۶۲ م.
- ۹) ضیایی بیگدلی، محمدرضا، ۱۳۸۰ ش حقوق جنگ (حقوق بین‌الملل مخاصمات مسلحانه) تهران، انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی.
- ۱۰) اسچب، جان و اسچب دوم، جان ۱۳۸۳ ش، گزیده متون حقوقی حقوق جزای آمریکا همراه با واژه‌نامه انگلیسی، فارسی، تهران، مؤسسه‌ی فرهنگی انتشاراتی نگاه بینه.

- ۱۱) قانون الزام دولت به پیگیری جبران خسارات ناشی از اقدامات و جنایات آمریکا علیه ایران و اتباع ایرانی، ۱۳۹۵ ش.
- ۱۲) قانون صلاحیت دادگستری جمهوری اسلامی برای رسیدگی به دعوی مدنی علیه دولت‌های خارجی، ۱۳۹۱ ش.
- ۱۳) قانون مجازات اسلامی، ۱۳۹۲ ش.
- ۱۴) قانون مقابله با نقض حقوق بشر و اقدامات ماجراجویانه و تروریستی آمریکا در منطقه، ۱۳۹۶ ش.

Latin Resources

1. Convention On The Prevention And Punishment Of Crimes Against Internationally Protected Persons, Including Diplomatic Agents, 1973.
2. Convention On The Prevention And Punishment Of Crimes Against Internationally Protected Persons, Including Diplomatic Agents, 1973: Art.1(1)(B)
3. Convention On The Prevention And Punishment Of Crimes Against Internationally Protected Persons, Including Diplomatic Agents, 1973: Art.2(1)(B)
4. Agreement Between The United States Of America And The Republic Of Iraq On The Withdrawal Of United State Forces From Iraq And The Organization Of Their Activities During Their Temporary Presence In Iraq 2008
5. Alleged Violation Of The Treaty Of Amity, Economic Relations, And Consular Right (Iran V. USA), Request For The Indications Of Provisional Measures Of 16 July 2018, Para. 50.
6. Application Of The Convention On The Prevention And Punishment Of The Crime Of Genocide, I.C.J. Reports 2007, Para. 137.
7. Askary, Pouria And Hosseinejad, Katayon. (2020). "Taking Territory Of A Third State Seriously: Beginning Of IAC And The Strike Against Major General Soleimani (Part II)," www.Opiniojuris.Org.
8. Barker, J. Craig. (2011). The Protection Of Diplomatic Personnel, Ashgate Publishing.
9. Bowser, Gary And Lev, Yehuda. (2020). "The General Is Dead – Now What? Flash Point And Triggers In The Iranian Puzzle," www.SSRN.Com
10. Convention On The Prevention And Punishment Of Crimes Against Internationally Protected Persons, Including Diplomatic Agents, 1973.
11. Corfu Channel (United Kingdom V. Albania), Merits, Judgment, I.C.J. Reports 1949.
12. Council Implementing Regulation (EU) No 542/2012 Of 25 June 2012, Implementing Article 2(3) Of Regulation (EC) No 2580/2001 On Specific Restrictive Measures Directed Against Certain Persons And Entites With A View To Combating Terrorism And Repealing Implementing Regulation (EU) No 1375/2011.

13. ILC Draft Articles on Responsibility Of States For Internationally Wrongful Acts 2001.
14. Labuda, Patryk I. (2020). "The Killing Of Soleimani. The Use Of Force Against Iraq And Qverlooked Jus Ad Bellum Questions." [Www.Ejiltalk.Org](http://www.Ejiltalk.Org)
15. Legality Of The Threat Or Use Of Nuclear Weapons, I.C.J Reports 1996, Advisory Opinion, Para. 41.
16. Milanovic, Marko. (2020). "The Soleimani Strike And Self-Defence Against An Imminent Armed Attack, " [Www.Ejiltalk.Org](http://www.Ejiltalk.Org)
17. Military and Paramilitary Atcivities In And Against Nicaragua, I.C.J. Reports 1986.
18. O'Connell, Mary Ellen. (2020). "The Killing Of Soleimani And International Law, " [Www.Ejiltalk.Org](http://www.Ejiltalk.Org) .
19. Oil Platforms (Islamic Republic Of Iran V. United State Of America), I.C.J. Repots 2003
20. R V. Donyadideh 114 FLR 43 (1993).
21. Rome Statute Of The International Criminal Court, 2001
22. S/RES/1368 (2001), 12 September 2001